

بررسی مسئله جنگ

و مهمترین مسائل داخلی و خارجی

در مصاحبه اختصاصی با:

حجة الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی

چند ماهی به صورت افسی پیش می‌رفته ولی نوعاً حالت تکاملی داشته است. در این چند ماه اخیر، حرکت منحس عراق یکدفعه سقوط می‌کند و حرکت منحس ما یکدفعه اوج می‌گیرد. برای اینکه این مسکه را جزئی‌تر توضیح دهیم، مثلهائی می‌زنیم:

ما از سه ماه آخر سال گذشته و بعد از تجهیز نیرو و دعوت مردم به عنوان پانصد گردان، برنامه تهاجمی جدید را شروع کردیم. با ترکیبی که نتایج این سه چهار ماه جنگ پیدا کرده، با عملیات سال گذشته، وضع را به این صورت درآورد که اکنون توضیح می‌دهم:

در سال گذشته ما از روند عبور کردیم و رابطه عراق را با دریا تقریباً قطع کردیم و آن استراتژی، به اصطلاح، دفاعی عراق را شکست دادیم و خودمان را آماده کردیم برای حرکتی که اسمش را «سرنوشت‌ساز» گذاشتیم. البته مشخص است که نمی‌شود برای این حرکت سرنوشت‌ساز، زمان تعیین کرد ولی برای کسانی که با دقت، جریان جنگ را می‌نگرند، وضع روشن است.

وضعیت نیروی زمینی عراق
در جنوب، ما از روند عبور کردیم و الآن در ساحل خور عبدالله نزدیک جزیره بویان و مرز کویت هستیم.

عراق دو آبراه داشته یکی شط العرب و دیگری خور عبدالله و الآن هر دو غیرقابل استفاده هستند. فعلاً رابطه عراق با دریا از طریق هوا است با دزدانه گاهی شبها قایق‌هایی از خور عبدالله عبور می‌کنند آن هم با خطر دلهره. پس عراق از نیروی دریائی اش نمی‌تواند استفاده‌ای بکند مگر قسمتهای هوایی نیروی دریائی، که عمدتاً از خاک کویت صورت می‌گیرد و این یک «مسکه جدیدی» است در جنگ و حالت قابل توجهی می‌باشد.

در عملیات رمضان نظرم آن بود که از شلمجه عبور کنیم و به رودخانه‌ای که در حاشیه اروند است و جزایر ماهی و ام الطویله و بوزاریان برسیم و تصرف کنیم و در کنار ابوالخصب باشیم. آن وقت این برنامه عملی نشد اما الآن به کاتال ماهی چسبیده‌ایم

* جنگ و افق آینده آن

* بحران در خلیج فارس

* برخورد با مشکلات

* ماجرای مک فارلین و سلاح آمریکائی

* آیا لحن نسبت به آمریکا ملایم شده است

* رهبری آینده انقلاب

در محضر حجة الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی و نماینده محترم امام در شورای عالی دفاع هستیم. اولین سؤال در رابطه با وضع موجود جنگ است. استدعا داریم وضعیت موجود جنگ و افق آینده آن را برای امت «پاسدار اسلام» تشریح فرمائید.

منحنی جنگ

بسم الله الرحمن الرحیم. درباره وضعیت موجود جنگ، اگر مروری از آغاز تاریخ جنگ تا کنون بکنیم و یک خط به صورت منحنی بکشیم به نظر می‌رسد که عراق نسبت به گذشته در بدترین شرایط قرار دارد و ما در بهترین شرایط. البته این وضعی استثنائی نیست، زیرا از زمانی که ما در دفاعمان حالت تهاجمی گرفته‌ایم، معمولاً سیر اینجنین بوده، یعنی هرگاه ما یک قدم به طرف موفقیت برمی‌داریم، عراق یک قدم به عقب می‌رود که گاهی این قدم‌ها کوتاه بوده و گاهی بلند. خلاصه منحنی



در شهرهای مرکزی عراق، اکنون درگیری‌ها شروع شده است و با اطلاعاتی که ما داریم هر روز بین ۵ تا ۱۰ حادثه مسلحانه در بغداد و اطراف بغداد اتفاق می‌افتد. آن رعبی که رژیم بعث در دل مردم ایجاد کرده بود، کم کم دارد شکسته می‌شود چرا که مردم با احساس قدرت می‌کنند و با آن می‌دهند به خطرها.

جنوب عراق هم وضعیت روشن است. الآن خطوط لوله‌های عراق، خطوط برق و مراکز مهم اقتصادی عراق همه‌اش با نیروهای مسلح و با هزینه زیاد حفظ می‌شود. پیدا است که در آینده با این حرکتی که مردم دارند حفظش مشکل تر خواهد بود. و اصلاً یکی از اهداف مهم از دو سال پیش این بود که ما جنگ را به داخل عراق بکشیم. باید مردم عراق احساس شخصیت کنند و از حیثیت خودشان دفاع کنند.

وضع اقتصادی عراق

عراقی‌ها به اتفاق نظر ناظرین اقتصادی، بالاتر از ۶۰ میلیارد دلار قرض دارند که تا هشتاد میلیارد هم گفته می‌شود. بعضی از این قرض‌ها مال شیوخ عرب است که آنها فشاری نمی‌آورند و شاید عراقی‌ها تصمیمی هم برای پرداخت به آنها نداده باشند ولی قسمت زیادی از این قرض‌ها مربوط به شرکتهای غربی، دولتهای غربی و دولتهای شرقی است که به هیچ وجه حاضر نیستند از یک دلارش بگذرند و حتی از ویش و جریبه دیرکردش هم نمی‌گذرند. ضمن تحلیلهای اقتصادی اصلاح آمده بود که عراق، غیر از هزینه‌های جاری جنگ، بیش از ۱۵ میلیارد بدهی‌های گذشته‌اش، وقتش رسیده است که باید بپردازد و استعمال برای اینها کار آسانی نیست چون نوعاً احساس خطر می‌کنند برای سرمایه‌هاشان.

در هر صورت، هزینه‌های نظامی ما، مشکل تأمین جنگ و تدارک آن را برای عراقی‌ها همواره شدیدتر می‌کند علاوه بر اینکه با عملیاتی نظیر عملیات اطراف بصره، بسیاری از صنایع درآمد عراق آسیب می‌بیند. الآن شرکتهایی که پس از عملیات کربلای ۵ در بصره تعطیل کرده‌اند و رفته‌اند، از عراق خسارت می‌خواهند، کارگروهاشان عمدتاً بی‌کارند، سرمایه‌هایشان خوابیده و بازده ندارد.

جمعیت بصره، اگر در بصره بمانند برای عراق یک مشکلی است زیرا تحرکهای شرارت‌آمیز را نمی‌تواند انجام بدهد چون آنها آسیب پذیرند. و اگر از بصره بیرون بروند، تدارک کردن یک میلیون نفر برای کشوری مثل عراق، آن هم در مدتی کوتاه کار بسیار دشواری است.

بنابراین، تدارک جنگ خرج بیشتری دارد، استعمال بدهی‌ها دشوار است، درآمدها محدودتر شده و نفت عراق هم آسیب پذیرتر از گذشته شده است.

کافی است که عراقی‌ها یک مقدار شرارتشان را در داخل کشورها زیادتر کنند تا ما هم تصمیم بگیریم سرمایه بیشتری برای مقابله به مثل بگذاریم. اکنون منابع نفتی در شمال عراق آسیب پذیر شده، در جنوب هم الآن تأسیسات زیر زیرترید مستقیم تو بخانه ما است که در گذشته تو پهای ما به آنجا نمی‌رسید ولی الآن تو پهای ما درست تأسیسات زیر را می‌تواند تحت آتش قرار دهد و تأسیسات زیر، تأسیسات مادر است در نفت عراق. آنهایی هم که به عراق قرض می‌دادند، با مجانی می‌دادند هر ضربه‌ای که عراق می‌خورد، مشکلاتشان بیشتر می‌شود زیرا باید ریسک بیشتری را تحمل کنند و طبعاً به این آسانی که ۲ سال پیش می‌دادند، الآن وام نمی‌دهند.

وضعیت سیاسی عراق

وضعیت سیاسی عراق هم از گذشته بدتر شده است. شوای امنیت برای اولین بار با صراحت، عراق را در مورد استفاده از سلاحهای شیمیایی محکوم کرد. گزارش دبیرکل سازمان ملل بر اساس گزارش هبشی که فرستاده بود در مورد استفاده از مواد شیمیایی خیلی گویا بود. و گرچه عراق، بقول معروف، طششان از بام افتاده و از این

و در قسمت زیادی از آن عبور کرده‌ایم و دو طرف کانال ماهی دست ما است. این پیروزی بسیار مهمی است. عبور از نهر جاسم و دویچی که برای عراق دو مانع طبیعی مهم بود به اضافه مناطقی که آب انداخته بود، با عرض چند کیلومتر که عبور از آن تقریباً محال به نظر می‌رسید، ما بحمدالله عبور کردیم. و اکنون بصره از آن استحکام گذشته برخوردار نیست و بصره تقریباً دارد به صورت آبادان یا خرمشهر درمی‌آید، گرچه به آن شدت نیست.

در جزایر «هور» ما نزدیک جاده استراتژیک بصره و بغداد هستیم. در مرکز هم عملیات گذشته. خودمان را به صدو چند کیلومتری بغداد رسانده‌ایم که این وضع را حفظ کرده‌ایم. در شمال با «سلیمانیه» که از استانهای بسیار مهم عراق است فاصله کمی داریم. نیروهای چریکیان در ارتفاعات مشرف به شهر هستند و نیروهای منظم ما نیز نزدیک سلیمانیه است.

نیروی نظامی عراق

از لحاظ نیروی نظامی، در سال گذشته عراقی‌ها تقریباً همه نیروهایشان تا آنجا که ما اطلاع داریم، بدون استثنا ضربه خورده است. آنها حدود ۲۰۰ تیپ دارند که صدوسی تیپ در کربلای ۵ و کربلای ۸ ضربه خورد، بقیه‌اش هم در عملیات دیگری که داشتیم. معنای آسیب دیدگی هم این است که اکنون بعضی هاشان دارند بازسازی می‌شوند و قابل به کار گرفتن نیستند و بعضی‌ها هم با توان ضعیف‌تری در خط یا در احتیاط هستند. عراق ابزار جنگی زیادی از دست داده که نمی‌تواند به آسانی جایگزین کند. حدود صد هواپیما در همین سه چهار ماه اخیر از دست داده و در سال گذشته هم مقدار زیادی از دست داده بود که قابل تعمیر هم نمی‌باشد و بکلی از بین رفته‌اند. و این ضربه کمرشکنی بود برای عراق.

از لحاظ نیروی زمینی، حدود هشتصد الی نهمصد تانک و نفربر از دست داده‌اند. همچنین مقدار زیادی توپ و ضد هوایی. منابع اطلاعاتی ما می‌گویند که مهاجرتان اکت بی ماهه‌ای کرده است و اتبارهاشان عمدتاً خالی است. از نظر نیروی انسانی در طول این چند ماه جنگ گسترده، بیش از صد هزار کشته و اسیر و مجروح عسقی داشته‌اند.

چند استان عراق در شمال وضعیت یکلی متزلزل است. در استانهای کربوک، اربیل، دهوک، نینوا، موصل و سلیمانیه هر موقعی که ما بخواهیم ضربه‌های رژیم با همکاری نیروهای داخلی و با مقدمات ساده‌ای برایشان می‌سوزاند. جاده‌ها عمدتاً ناامن است. و کار به جایی رسیده که عراقی‌ها تصمیم دارند آنجا را خالی کنند. الآن عراق برنامه جدی دارد که مردم گرد را از شمال عراق کوچ دهد و این خیلی کار مشکلی است؛ علاوه بر مشکلات اقتصادی و انسانی که بار می‌آورد، این همه آدم را کجا می‌تواند ببرد، کجا اسکان دهد و چگونه اداره کند؟! گویا برای اینها در غرب عراق، در مرز اردن و جنوب، در مرز عربستان و کویت مناطقی را در نظر گرفته‌اند که آنها را به آن مناطق کوچ بدهند. بردن اینها در این شرایط، تقریباً غیر میسر است زیرا نوعاً مسطح‌اند و روستایی هستند که با گاوها، گوسفندها، چشمه‌ها، درخت‌های میوه و مزارع محدودشان دارند زندگی می‌کنند و به آسانی حاضر نیستند از آنجا کنده شوند.

روشن ترین نمونه‌اش، همین مسائلی است که دوسه روز اخیر در منطقه شرق سلیمانیه پیش آمده. در حلبچه، سید صادق، شهر زور و چند شهر دیگر. و اصل مسکه همین بوده که عراق خواست برنامه کوچ دادن کردها را شروع کند، مردم مقاومت کردند و نیروهای رزمند هم به کمکشان شتافتند و در بعضی از موارد شهرها را تصرف کردند و هنوز هم با عراق درگیر هستند. هر جا عراق بخواهد وارد ماجرا شود، همین حالت پیش خواهد آمد.

رسوایی‌ها ابایی ندارند ولی در هر صورت یکی از جاهانی که عراق امید بسته بود از راه آنها بر ما فشار می‌آورد، از طریق مراکز جهانی نظیر سازمان ملل و شورای امنیت بود که اینها هم با این دقت آمدند و تحقیق کردند و رفتند، نظر دادند که عراق نه تنها نیروهای نظامی ما را مورد هجوم شیمیایی قرار داده که مردم غیرنظامی ما را در شهرهای خرمشهر و آبادان و بانه و برخی روستاها نیز با شیمیایی می‌زند. پس اگر اکنون عراق وضعیتش از گذشته بدتر نباشد بهتر از گذشته نیست.

شیوه عراق از اول آن بوده است که پای دیگران را بجنگ بکشد.

شرارت‌های عراق

از لحاظ دفاعی هم که گفتیم: ما به نقاط حساسی رسیده‌ایم و هر قدمی که جلو برداریم، به همان اندازه آسیب پذیری عراق بیشتر می‌شود. تنها چیزی که برای عراقی‌ها باقی می‌ماند همان شرارت‌هایی است که معمولاً مرتکب می‌شوند. یکی از آن شرارت‌ها زدن شهرها و مراکز غیرنظامی است و دیگری ایجاد بحران در خلیج فارس است، برای اینکه ما را در آنجا با دیگران درگیر کنند.

در مورد شرارت اول، ممکن است از همان حوادث گذشته باز هم اتفاق بیفتد ولی همان‌ها در نهایت جزو عوامل قدرت ما و عوامل ضعف عراق می‌شود. الآن وضع با گذشته فرق کرده است. قدرت هوایی عراق پشت‌تزلزل کرده ولی قدرت هوایی ما بهتر از گذشته شده است. عراق قدرت دفاعی‌اش مانند گذشته نیست و ما قدرت دفاعیمان را قوی‌تر کرده‌ایم. تا شش ماه پیش وقتی میگفتند ۴۵ در قشای تهران، اصفهان و سایر شهرهای دیگر در ارتفاع بالاتر از ۶۰/۱۰۰۰ پا ظاهر می‌شدند، ما تقریباً خلع سلاح بودیم، گرچه تأثیر زیادی نمی‌توانست بگذارد غیر از برتاب بسبب بی‌هدفی اما به هرحال از لحاظ روانی یا همان تخریب‌های جزئی کور به ما زیان وارد می‌شد ولی الآن ما می‌توانیم سقف بالا را نسبت به دوسه ماه پیش، بهتر حمایت و حفاظت کنیم.

قدرت موشکی را توسعه داده‌ایم، ما هم در ساحل به دریا و هم زمین به زمین، امکانات نه‌اجمی موشکی بیشتری داریم. تولیدات داخلی را بالا برده‌ایم. بنابراین زدن شهرها، گرچه در گذشته هم نفی برای عراق نداشته. این بار اگر شروع شود ضرر عراق بیشتر است. البته ما همیشه از این وضع اجتناب می‌کنیم و هرگز مایل نیستیم مردم غیرنظامی عراق آسیب ببینند و بدون شک خیلی تلخ است برای ما که مردمان در شهرها زندگیشان ناامن شود ولی وقتی پیش بیاید، وضع جنگ بگونه‌ای است که چاره‌ای نداریم و باید تحمل کنیم و تحمل می‌کنیم. اما اگر پیش بیاید، ما از آن به عنوان یک اهرم برای تسریع در عملیات و بسیج بیشتر نیرو استفاده خواهیم کرد.

بحران در خلیج فارس

ما هیچ وقت از مسکه بحران در خلیج فارس استفاده نکرده و نمی‌کنیم، و همیشه

سعی می‌کنیم به نقطه بحران نرسد. ولی شیوه عراق از اول این بوده که پای دیگران را به جنگ بکشد و ما هم همیشه منانت به خرج داده‌ایم و نگذاشته‌ایم به آن حد برسد. ما سیاست مشخص داریم و آن این است که در حد ضرره‌ای که می‌خوریم، ضرره می‌زنیم.

در هر صورت اگر بحران در خلیج فارس اوج بگیرد، خلیج فارس تحقیقاً بسته خواهد شد و اگر چه خسارت زیادی برای ما و کشورهای اطراف خلیج فارس در بر خواهد داشت ولی اگر درگیری شدت پیدا کند، ما نمی‌گذاریم هیچ کشتی از تنگه هرمز وارد یا خارج بشود و بندرهای کشورهای که در خلیج فارس هستند و این کشورها متکی به بندرهاشان هستند، نوعاً آسیب می‌بینند و از کار می‌افتند و زندگی نه تنها برای آنها که برای دنیا دشوار می‌شود چرا که دنیا واقعاً به نفت خلیج فارس وابسته است و اگر نفت از خلیج فارس بیرون نرود، بحران در دنیا به وجود می‌آید.

ما تا بحال خودمان را حفظ کرده‌ایم که بحران به وجود نیاید ولی خودمان را آماده کرده‌ایم و برنامه ریزی کرده‌ایم که چنانچه بحرانی بوجود بیاید بتوانیم مقاومت کنیم. دنیا هم نمی‌تواند بحران خلیج فارس را طولانی تحمل کند، و ناچار می‌شود شرارت عراق را کم کند. بحران در آنجا هم عراقی‌ها نقطه آتش افروزی هستند و ما به دنیا اعلام کرده‌ایم که اگر عراق شرارت نکند، هیچ حادثه‌ای نسبت به همسایه‌ها یا کشتی‌هایی که در رفت و آمد هستند، ایجاد نخواهد شد.

ما و مشکلات جنگ

البته ما هم بدون دشواری نیستیم. جنگ برای هر دو طرف مشکل است. ما وقت زیاد، نیروهای زیاد و بودجه زیادی که الآن داریم خرج جنگ می‌کنیم و مشکلاتی که الآن در کشورمان داریم از گراتی گرفته تا کمیوندها و شهادتها و معلول‌ها و خسارتها و امکانات زیادی که صرف جنگ می‌شود، باید تمام اینها صرف عمران می‌شد ولی اهمیت این جنگ و تأثیرش در آینده منطقه و دنیا و کشور خودمان آنقدر هست که در محاسبه، نتیجه برای ما مشخص است: ما باید این خسارتها را تحمل کنیم تا اینکه عواقب خراب‌پروزی را برای منطقه و مردمان هدیه کنیم. مردم ما هم این مسئله را تشخیص داده‌اند و حاضر به فداکاری هستند برای اینکه می‌فهمند که اگر این جنگ بدون حذف صدام و حزب بعث بخواهد پایان پذیرد، تبعاتی که در آینده خواهد داشت، بر مراتب بدتر از این خسارتهایی است که الآن تحمل می‌کنیم و اگر با پیروزی اسلام، این جنگ خاتمه پیدا کند، آنقدر عواقب خوب و زیبا خواهد داشت که تمام این تلخیها را شیرین می‌کند.

- افق آینده جنگ را چگونه ترسیم می‌کنید؟

افق آینده جنگ

• اگر حادثه غیر مترقبه‌ای پیش نیاید، آن منحنی‌هایی که از اول گفتیم، به همین صورت ادامه خواهد داشت. انتظار یک جهش هم برای اسام داریم که ممکن است گراتر برای عراقی‌ها تمام شود.

اینطور به نظر می‌رسد که حرکت مردم عراق از درون توسعه پیدا می‌کند و حضور ما در داخل عراق بیشتر خواهد شد و مشکلات داخلی عراق تشدید می‌شود. برای

عربستان نمی دهند، با اینکه عربستان در اختیار آنها است و دلیلش همان است که اسرائیل مخالف با آن است.

ولی بهرحال یک ریسک است که بیایند اعراب را متحد کنند و آن کینه ها و درگیری ها را برطرف سازند و کشوری مثل لیبی را در کنار اردن یا مصر نشانند. در این مورد شرق و غرب کم و بیش همراهند و تلاش جدی دارند می کنند و ممکن است اخبار جدیدی از این نوع اتحاد در آینده داشته باشیم. ولی ما خوشبختانه برنامه جنگ را بگونه ای تنظیم کرده ایم که روی پای خودمان باشیم. اگر هیچ یک از کشورهای عربی هم با ما نباشند و یا همه آنها در مقابل ما باشند، ما راه خود را ادامه می دهیم و می توانیم ادامه بدهیم.

تبلیغات سوء داخلی

تلاش دیگری که ممکن است بکنند، استفاده از کارهای تبلیغاتی منفی در کشورمان است که جنگ را زیر سؤال ببرند. این کار را از طریق جریانهایی مثل نهضت آزادی و سایر اذنانباشان انجام دهند، در رادیوهای بیگانه از همین خط وارد شوند. قشر رفاه طلب ما را تحریک کنند که بالاخره جنگ زندگی شما را مشکل کرده، گرانی ها آمده، کمبودها پیدا شده، دارو کم است و بازار سیاه و... عواملی که عمده یا غیر عمدی در خدمت اینها قرار می گیرد، خطرناک است. در داخل طبعاً فئری از پولدارها هستند که روی حق سودطلبی و مال اندوزی که دارند، می خواهند از این وضع سوء استفاده بکنند که ملاحظه می کنیم در میدانهایی که دشمنان باز است، به احتکار و گرانفروشی و ابداء مردم می پردازند.

این بحرانی که در خلیج فارس درست می کنند و حربه ارزان کردن قیمت نفت. گرچه دودم است و به هر دو طرف ضربه وارد می سازد. ولی آنها فکرمی کنند چون ما تنها نسیم زودتر از اینا درمی آئیم. عمده مطلب این است که بتوانند یک طرفه به ما ضربه بزنند یعنی با حضور شوروی و آمریکا بتوانند به گونه ای رفتار کنند که عراق کشتی های ما را بزند و ما نتوانیم نفت را صادر کنیم و آنها بتوانند صادر کنند. ولی همانگونه که تذکر دادم: تحقق چنین اندیشه ای محال است یعنی با همه باید نفت صادر کنند یا هیچ کس نباید صادر کند.

بهرحال الان فشار اقتصادی روی ما و ایجاد بحران اقتصادی و ایجاد نارضایتی و تشدید پشت جبهه یکی از اهداف بسیار مهم دشمنان است که روی آن دارند کار می کنند. و ما باید آماده شویم. یکی از کارهای مهم امسال ما، برنامه ریزی است برای جلوگیری از عملی کردن این توطئه در داخل کشور، و من فکرمی کنم کار دشواری است.

چه باید کرد؟

الآن وضع غیر عادی است و باید دولت و مجلس با همکاری شورای نگهبان این توطئه را خنثی کنند.

برای قیمت گذاری اجناس باید دست دولت را باز بگذاریم. برای تعقیب محترکان و گرانفروشان و آنها که اختلال در توزیع سالم می کنند، باید دست دولت و مراجع قضایی را باز بگذاریم. دستگاه قضایی باید بطور جدی وارد عمل شود. دستگاه امنیتی و اطلاعاتی باید بطور جدی وارد عمل شود. مجلس باید مقررات فوق العاده ای بگذراند و شورای نگهبان باید همکاری کند.

بعضی چیزها اگر در شرایط عادی می شد نادیده بگیریم، الان نباید نادیده بگیریم. پشت جبهه را باید محکم کنیم و گرم نگهداریم.

ما الان داریم برنامه ای برای این منظور تنظیم می کنیم و شاید در هفته مجلس،

اینکه حرکت درون را عمق بخشیم و روح بدهیم، ناچاریم در مرزها هم حرکات شدیدتری داشته باشیم. با آسیب پذیری که عراق دارد، ممکن است امسال دوسه ضربه کاری از میدان جنگ بخورد ولی هدف بالاتر ما این است که حرکت های داخل عراق جدی تر و گسترده تر شود. و نا آنجا که ما می دانیم، مردم انقلابی دنیا خوشحالند از این وضع و منتظرند که اتفاقات خوبی بیفتند، همانقدر که قدرتهای استکباری، ابرقدرت غرب، ابرقدرت شرق و ارتجاع منطقه نگرانند. و طبعاً با این نگرانی که دارند، بیکار نمی نشینند. البته ما گمان نمی کنیم سرمایه جدیدی در عراق بگذارند چون آنها به اندازه کافی در باتلاق عراق فرو رفته اند. شرکت های خصوصی غربی مشکل است بیش از این ریسک کنند. کشورهای منطقه هم غیر از اینکه بنه اقتصادی خودشان ضعیف شده و وضع نفت هم به گونه ای نیست که دشمنان باز باشد، امکان حمایت زیادی برای عراق ندارند، و از طرفی دیگر وحشت هم دارند.

شرقی ها هم شبیه همین وضع را دارند. آنها الان دارند منافذانه رفتار می کنند و می خواهند جای پای برای خودشان در عراق حفظ بکنند که اگر در آینده خبری شد، بتوانند حضور داشته باشند. لذا یک حدی را هم با ما و هم با مردم عراق حفظ خواهند کرد. و از طرفی آخرین تلاشهایشان را خواهند به کار گرفت که ما را از ادامه جنگ منصرف کنند. و این تلاشها همین الان شروع شده است:

- ۱- حالت ارباب و نشان دادن دورنمای بحران و اسیاناً دخالت.
- ۲- دست درازی به سوی ما از طریق واسطه های نامرئی برای اینکه آینده خودشان را با آینده عراق بگونه ای گره بزنند.

چون هنوز مایوس نیستند، فکرمی کنند شاید بتوانند بحرانی بوجود بیاورند، و در گرد و غبار و کولاک آن، صدام را نجات بدهند. می بینید در جهت متحد کردن دنیای عرب در مقابل ما دارند تلاش فراوانی می کنند. و اگر چه اتحاد دنیای عرب از جهتی به ضرر آنها است و آنها همیشه تفرقه دنیای عرب را می خواستند ولی امروز

«ابرقدرتها با بزرگ جلوه دادن خطر جمهوری اسلامی، تلاششان این است که اعراب را موقتاً با هم متحد کنند ولی این خیلی دشوار است. بهرحال اگر همه در مقابل ما بایستند، ما راه خود را ادامه می دهیم و می توانیم ادامه دهیم.»

شاید به این نتیجه رسیده اند که اگر موقتاً عربها متحد باشند، برای آنها ارزشی خواهد داشت، و هر وقت خواستند، می توانند این اتحاد را بهم بزنند.

ابرقدرتها با بزرگ کردن خطر اسلام و خطر جمهوری اسلامی، تلاششان این است بگونه ای اعراب را متحد کنند که با آن استراتژی گذشته شان که خطر برای اسرائیل است منقضی نباشد، و این کار بسیار دشواری است. رسیدن به این نتیجه آسان نیست، همانگونه که در فروش اسلحه نیز مشکل دارند غربیها می خواهند به عربستان یا کویت. مثلاً. اسلحه بفروشند چون اینها عواملشان در منطقه هستند و اگر نیرومند باشند، به نفعشان است ولی از طرفی در مقابل اسرائیل مشکلی دارند که اگر روزی کنترل از دست رفت، اسرائیل آسیب خواهد دید.

ما می بینیم که آمریکائی ها. مثلاً. موشک «استیگر» به افغان ها می دهند ولی به



دارد.

حضور ما در لبنان

• آن هم مثل همین است. یعنی در تحلیل نهانی. حضور ما در لبنان برای کشورهای که با ما دوست هستند، نقطه مثبتی است برای اینکه در یکی دو سال اخیر فهمیدند: آن کسی که می تواند در لبنان مقاومت بکند، عمدتاً نیروهای اسلامی طرفدار ما هستند. اگر این نیروهای مسلمان متعهد نبودند، الآن کل لبنان در اشغال نظامی آمریکا و انگلستان و فرانسه و ایتالیا بود که آمده بودند و نیروهای اسلامی آنها را بیرون راندند یا در اشغال اسرائیل بود که تا نزدیک بیروت آمده بود و اگر این نیروها با او نمی جنگیدند، هرگز بیرون نمی رفت. همین الآن در جنوب، چه کسی غیر از نیروهای مسلمان تصور جنگ را گرم نگه داشته است؟ نیروی جدی ای که الآن دارد یا فالانژها مقاومت می کند، همین مسلمانانی هستند که با ما هستند، چه شیعه و چه سنی و چه نیروهای مترقی فلسطینی.

اگر بنا است در آینده، لبنان کنار کشورهای عربی علیه اسرائیل بجنگد، در صورتی این ممکن خواهد بود که نیروهای اسلامی آنجا قدرت داشته باشند و نیروهای اسلامی آنچنان با ما هستند که جدا کردنش غیر ممکن است.

- در مورد ماجرای مک فارلین و فروش سلاحهای آمریکایی به ایران، آنها تلاش داشتند که اولاً در ایران جای پای پیدا کنند و هدف دیگرشان این بود که پیروزیهای ایران را در جبهه های جنگ لوٹ کنند و مرتبط کنند به کاربرد و قدرت تسلیحات آمریکا و وابسته به خودشان جلوه بدهند. اکنون با توجه به حجم بسیار تأمین سلاحهای آمریکایی که تحویل ایران شده نسبت به سلاحهای گسترده ای که شرق و غرب در اختیار عراق گذاشته اند، آیا واقعاً اثر چندانی داشته است کما اینکه در تحلیل هایشان به صورت گسترده ای روی این مسئله تکیه کردند؟

تأثیر اسلحه آمریکائی در جنگ

• در مورد اینکه آنها چنین هفلی داشتند که پیروزیهای ما را لوٹ کنند، تحلیفاً چنین چیزی جزه اهدافشان بوده است یعنی بهر حال اگر روز اول هم چنین فکری نداشتند، وقتی زمینه ای پیش آمد که دیدند می توانند استفاده کنند، بتوانند میدان تبلیغاتی علیه ما داشته باشند.

اما اینکه این سلاحها تا چه حد مؤثر بوده است؟ ما حداکثر دو هزار «تاو» خریده ایم و مقدار کمی هم قطعه برای «هاگ» که قیمت واقعی آنها نزدیک به چهار میلیون دلار در مجموع بوده. و هر کس چیزی سرش می شود می داند که اینها تأثیر چندانی ندارند. برای هفت سال جنگ ما چقدر آتارهای عظیم را خالی کردیم و چقدر اسلحه تا بحال خریده ایم و هنوز هم داریم می خریم، پس دنیا می داند که این اسلحه آمریکائی ناچیز بوده است.

از طرفی دیگر این تیغ دودم هست برای ما. آنها می گویند که این تأثیر را داشته که پیروزی ما را لوٹ بکنند، با دوستان چه کار می کنند؟ کشورهای مثل مصر، اردن، عربستان، کویت، تونس و مراکش که نوکر آمریکا هستند در منطقه، وقتی که در تحلیل به اینجا برسند که اسلحه آمریکائی عراق را شکست داده، آن وقت چه تأثیری روی آنها خواهد گذاشت؟ بدون شک اعتماد آنها را نسبت به آمریکا کم می کند. و چون ترسو هم هستند توی دل آنها را عالی می کند که هر وقت، ممکن است آمریکا منافع آنها را نادیده بگیرد. آن طرف افکار عمومی هم این واقعت را

بقیه در صفحه ۵۲

اولین جلسه مشترک قوای ثلاث و شورای نگهبان را داشته باشیم و مقداری کار توجیهی کنیم و تقاضای بیشتری بوجود بیاوریم.

یک اصل را باید برای همه مسئولین و تمام افراد ملتمان کاملاً روشن کنیم: «پیروز در جنگ کسی است که بیشتر بتواند مقاومت کند»

ما به خاطر جمعیت زیادمان و بخاطر ایمانی که مردمان دارند و بخاطر پشت جبهه نیرومندی که داریم، توان مقاومتمان خیلی بیشتر است. دشمن می خواهد این بنه اصلی را از کار ببرد. معلوم است که وجود آوردن قصبه سگه، در تهران، قصبه ساده ای نبود. ممکن است همین برنامه را فردا سر شیر خشک با گندم یا چای یا آهن یا... به صورت دیگری در بیاورند. لذا ما اگر خودمان را آماده کنیم دو نتیجه می گیریم:

۱- دشمنان داخلی را خوب شناسایی می کنیم و برای همیشه از شرشان راحت می شویم.

۲- جنگ را خوب می توانیم پشتیبانی بکنیم و آن نقطه اصلی مقاومت را که کشف کردیم باید روی آن تکیه بکنیم و بتوانیم برای خودمان حفظ بکنیم.

- در مورد تضعیف روابط بعضی از دوستان ما، آیا از ناحیه جمهوری

«برای تعقیب محترمان و گرانفروشان و آنها که اخلاص در توزیع سالم می کنند، باید دست دولت، مراجع قضائی و دستگاه امنیتی و اطلاعاتی را باز بگذاریم.»

اسلامی حرکتی برای خنثی کردن آن توطئه شده و آیا به آنها توجه داده شده که چنین توطئه ای وجود دارد یا خیر؟

رابطه با دوستان

• ارتباط ما با آنها صرفاً بخاطر جنگ نیست. ما بطور کلی با نظامهای مترقی و وحدت امپریالیستی مایل به همکاری هستیم، و پیش از اینکه جنگ بر پا شود، ما با آنها دوست بوده ایم و بعد از اینکه جنگ هم تمام شود ما می خواهیم با آنها همکاری داشته باشیم. و طبعاً آنها هم بخاطر جنگ با ما نزدیک نشده اند. از این جهت گسستن این رشته محکم چندان هم آسان نیست. ما هم تلاش لازم را. آفندری که مربوط به ما می شود. برای حفظ کردن و گسترش روابط دوستانه می کنیم. مثلاً در مورد سوریه، همین سفری که اخیراً آقای «طاروق الشرح» به ایران آمد و پیامی از آقای «حافظ اسد» آورد، نشانه این بود که تا بحال تلاشهای دشمنان بی ثمر بوده. ممکن است در برخی جاهای دیگر به طور موقت آکاری داشته باشد ولی ما فکر می کنیم بهر حال آن روابط طبیعی ما با اینگونه نظامها، قدرتش بیش از این تلاشهای مقطعی است.

- این تلاشهای مقطعی، یکم بعدش هم ممکن است بخاطر مسائلی نظیر لبنان باشد و حضور ما در لبنان و شکستن آن حرکت اسلامی نیرومندی که در لبنان وجود

این راه بگوئیم که: «ما حرفی نداریم که با یک دولت خوب و یک ملت خوب روابط داشته باشیم ولی این شما هستید که شیطنت می کنید و نمی گذارید این امر محقق شود».

نتیجه هر دو سخن یکی است و اینکه از کدام طرف شروع شود و به کجا ختم شود، این تابع سیاست‌های بحثی و جدلی است که انسان باید در موقع بحث مدنظر قرار دهد. میدانهای بحث فرق می کند: یک وقت در خطبه نماز جمعه، انسان دارد نطق حماسی برای مردم می کند، باید از آن بُعد قضیه وارد شود و یک بار هم خبرنگار آمریکائی آمده و می خواهد موضع ما را بفهمد که برای مردم آمریکا تشریح بکند. طبعاً شیوه بحث فرق می کند اما محتوای بحث همیشه یکی بوده یعنی ما یک حرف با آمریکائیا داریم:

«تا آمریکائی ها شیطنت آمیز رفتار نکنند، تا آمریکا بخواهد حامی اسرائیل باشد، ما نمی توانیم با آمریکائی ها روابط داشته باشیم».

- آیا باز هم آمریکا در جهت ارتباط با ایران تلاشی را انجام داده و می دهد و عکس العمل ما چه بوده است؟

روابط با آمریکا

آنچه که من می فهمم، الان داخل آمریکا وضعی است که گرچه آمریکائیا دلشان می خواهد با ما رابطه ای داشته باشند ولی نمی توانند. الان می بینید که دموکراتها و جمهوریخواهها چگونه افتاده اند به جان هم. کنگره آمریکا روزی چند ساعت جلسه دارد و مستقیماً از تلویزیونها در سراسر آمریکا و در دنیا پخش می شود. اینها دارند علیه یکدیگر افشاگری می کنند. علیه نامزد دموکراتها یک رابطه نامشروع را رو کردند. و او را از صحنه بیرون کردند. علیه ریگان و بوش و دیگران افشاگری می کنند، آنها را تضعیف می کنند. در چنین شرایطی هیچ یک از دو طرف نمی توانند. الان در مسکه گروگانها یا در مسکه روابط با ایران یا مشکلات دیگر رسیکی بکنند. با اینکه هر دو هم به ما پیغام دادند که شفته حل مشکلات هستند، اما میدان عمل برایشان بد است.

واقعاً به نظر می رسد که هیئت حا که آمریکا از درون پوسیده است، قدرت تصمیم گیری در جهت کارهای مهم سیاسی که ریسک در آن باشد، ندارند. همه می خواهند برای انتخابات خودشان را آماده کنند و رقابشان را از میدان بیرون کنند. و این پولی و با هم که به ما مسترد کردند، ربطی به این جریان نداشت. پولی در حساب ما بوده و باید می دادند و بی خود نگه داشته بودند. مهتر از این، الان ما اجناسی در آنجا داریم که در زمان سابق خریده ایم: مونتور اف ۱۴، قطعات اف ۱۴، قطعات اف ۵، قطعات اف ۴، قطعات بوئینگ، و رادارها و چیزهای دیگر نظامی است که قبل از انقلاب خریده شده و بولش هم پرداخت شده و پس از انقلاب جلوش را گرفته اند. اموالی که حق ما است، ظالمانه و غارتگرانه در آنجا نگهداشته اند و به ما نمی دهند. این هم نشان بغض و دشمنی آنها است با ما و هم نشان سوء و ضعف مدیریتشان که اگر هم بخواهند، جرأت تصمیم گیری ندارند.

بهرحال من پیش بینی نمی کنم در آینده نزدیک، آمریکائی ها بتوانند قدم موثری بردارند مگر اینکه دست از نفاق و دورویشان بردارند و به ملتشان صریحاً بگویند که تا بحال اشتباه کرده اند و باید جبران کنند. از آن طرف، آنها همانگونه که نمی توانند کار مثبتی به نفع ما بکنند، علیه ما هم نمی توانند کار مهمی بکنند، چرا که آن هم احتیاج به ریسک و تصمیم گیری دارد. لذا آمریکا الان به صورت نیروی خنثائی در منطقه در آمده است.

فهمیده یعنی همه ماجرا همین چند قلم هست. هر چه آنها می فهمند اینها هم می فهمند. پس اگر جنبه تبلیغاتی باشد، هر وقت مطرح شود تأثیرش از یک طرف منفی است و از یک طرف مثبت است.

میدان برای امپریالیسم و برای باطل یاز نیست که بتواند کار بکند. ما باید قوی برخورد کنیم تا مسائل را روشن بکنند. یعنی اگر ما درست برخورد کنیم، هم جمله آمریکا را می توانیم مشخص کنیم و هم ضعف آنها را در طراح می توانیم مشخص نمایم و هم تناقضشان را رو کنیم.

یک سیاستمدار قوی، کسی است که جسور باشد، وارد یک ماجرائی بشود و تناقضهای دوطرف را رو کند و به رخشان بکشد.

تناقض قضیه، بیشتر آنها را زجر می دهد. آنها از یک طرف می خواهند ما را به شدت ضد اسرائیلی معرفی بکنند در دنیا چون آن افکار عمومی که در آمریکا و اروپا است و به نفع اسرائیل است، در هر صورت، با ما دشمن هستند. و از طرفی دیگر می گویند: اسرائیل مخفیانه به ما اسلحه می داده است! در همین بین اعتراف می کنند که فقط ما هستیم که میدان داریم مبارزه در لبنان هستیم. این چطور می سازد که مثلاً اسرائیل بیاید به ما اسلحه بدهد!!!

امروز همه می دانند که تور جنگ جنوب لبنان دست نیروهای حزب الله طرفدار ما است، و ما آمریکائی ها و نیروهای طرفدار آنها را از لبنان بیرون کردیم. این که مخفی نیست. بنابراین اگر خودمان محکم باشیم، از این تبلیغات تناقض نباید برسیم. البته اعتماد عظیم مردم لازم است و حمایت امام لازم است.

پس تأثیر آن اسلحه اولاً ضعیف و غیر قابل توجه بوده. تأثیر تبلیغاتی آن هم روشن می شود. دوستان ما که رفته بودند نیکاراگوئه و در «بین المجالس» شرکت کرده بودند، وقتی برگشتند، می گفتند: آنها مسخره می کردند این جریان صحنه سازی که آمریکا کرده بود که پول ایران به نفع شورشیان «کونترا» مصرف شده است!! این روشن است، زیرا ما اسلحه ای خریده ایم و فرض کنید آنها چند میلیون دلار هم سود برده اند، این سود در هر صورت، مال آمریکائی ها است، به هر کس بخواهند می دهند و به هر کس نخواهند نمی دهند. این مثل بقیه اسلحه هائی است که آمریکا می فروشد و بولش را هم می گیرد و هر جا هم بخواهد خرج می کند. این مسائل مبتذل، ضعف طرف را می رساند، بالأخره مردم که اینقدر احمق نیستند که تحلیل نکنند.

نکته ای که در ذهن بعضی ها خطور می کند این است که برخی احساس می کردند یا حداقل القاء می کردند که جناب عالی در یکی از مصاحبه های اخیرتان لحن خیلی ملایمی نسبت به آمریکا داشتید که شاید تا حدی مخالف با موضعگیری های قاطع گذشته بوده نسبت به آمریکا. نظر شما چیست؟

لحن ملایم نسبت به آمریکا

در مورد مصاحبه ما دو حالت داریم: یک بار با مردم آمریکا می خواهیم حرف بزنیم، وقتی خبرنگار آمریکائی با ما مصاحبه می کند، نباید بگونه ای برخورد کنیم که مردم آمریکا خیال کنند ما برای مردم آمریکا حساب خصوصیت ابدی باز کرده ایم؟ در مصاحبه هائی که مخصوصاً با آمریکائی ها می شود، باید واقعیتها را روشن شود. یک وقتی است که آدم می خواهد با دولت آمریکا یا دولتهای طرفدار آمریکا حرفی بزند، اینجا لحن فرق می کند ولی محتوای هر دو قضیه یکی است.

ما حرفمان همان یک جمله حضرت امام است که: «تا آمریکا شیطنت می کند، ما روابط نداریم» این را دو جور می شود گفت. یک وقت از این طرف شروع کنیم که «شما شیطانید، پس ما نمی توانیم با شما رابطه برقرار کنیم» یک بار ممکن است از

یک دفعه به قم رفته بودیم، به محض اینکه رسیدیم در میدان آستانه، نا چشمش را باز کرد، دید جعفر روحانی از اینجا آمدورفت می کنند، فوراً صدا کرد: جعفر مہمان باہا!! این بچه برداشتن از روحانی، مہمان باہا است، بیش از این نمی تواند تشخیص دهد.

این غریبها و خارجی ها هم تشخیصشان بیشتر به تشخیص بچه ها می ماند مثلاً می گویند: حکومت آیت الله ها! حکومت ملاها! اینها دیگر نمی دانند که ملاها چه درجاتی دارند، اینها واقعاً ناجحال نفہیدہ اند کہ مثلاً من کہ یک طلبہ ای ہستم و اصلاً در سطح رہبری نیستم، در قانون اساسی ما روشن شدہ است کہ رہبر باید مرجع تقلید باشد (با مرجع تقلید عام کہ رہبر واحد است با جزء مراجع تقلید در شورا) آن وقت چطور می شود رقابت باشد بین من و یک مرجع تقلید!!!

«آیت الله العظمی منتظری نہ رقیبی دارد
و نہ کسی با ایشان معارضہ خواهد کرد
ایشان رہبر بلا منازع آیندہ انقلابند.»

من خدا کتر می توانم رئیس مجلس باشم یا یک نماینده یا یک شغل اجرایی می توانم داشته باشم یا یک واعظی باشم یا امام جمعه باشم. اصلاً رابطه من با آیت الله العظمی منتظری، نمی تواند رابطه تعارضی باشد.

بعلاوہ اگر اینها واقعاً باشعور بودند، بایست روابط ما را با آقای منتظری کشف می کردند. ما ہمہ در دوران زندگیمان (نہ من، ہمہ اینها کہ الآن از مسئولین ہستند) از شاگردہای مجذوب آقای منتظری بودیم، ما واقعاً از وقتی کہ چشممان را باز کردیم و روحانیت را شناختیم، مرید آقای منتظری بودیم و بہ ایشان عشق می ورزیدیم و می دیدیم امیدہایمان در ایشان تبلور پیدا کردہ است.

ما کہ از نظر علمی، پائین ہستیم، حتی در میان آنها کہ از نظر درجات علمی از ما ہا بالاتر ہستند اصلاً کسی نیست کہ خودش را بخواہد رقیب آقای منتظری قرار دہد. در مجلس خبرگان کہ ہشتاد نفر از بزرگان علمای ما آنجا حضور دارند، آیت الله منتظری را با بیش از دوسوم آرا بہ عنوان قائم مقام رہبری تأیید کردند.

دشمنان باید مطالعہ کنند و از این حرفہای واهی نزنند. ولذا در جامعہ ما حتی ضد انقلاب بہ خودش اجازہ نداد کہ آن تبلیغات را نشخوار کند و بہ دیگران بگوید.

آقای منتظری نہ رقیبی دارد و نہ کسی با ایشان معارضہ خواهد کرد. ایشان رہبر بلا منازع آیندہ انقلابند. البتہ ما ہمہ دعا می کنیم عمر امام اینقدر طولانی بشود کہ دیگر ما دوران رہبری بعد از امام را نبینیم. خداوند این نعمت را برای ما حفظ کردہ و باز ہم۔ ان شاء الله۔ حفظ کند.

- با تشکر از جناب عالی کہ وقت گرانبہای خود را در اختیار امت پاسدار اسلام قرار دادید۔ با آرزوی توفیق بیشتر برای شما در راه خدمت بہ اسلام و مسلمین
- ان شاء الله خداوند توفیق بدہد بہ ہمہ خدمتگزاران بہ اسلام.

- در مورد تنگہ هرمز و تبلیغاتی کہ زیاد روی آن تکیہ می کنند، آیا اگر بحران و برخوردی در آنجا پیش بیاید، توان مقابله با آن بحران ہا را داریم یا نہ؟

نامنی در خلیج فارس

• ما در آنجا منکی بہ یک نوع سلاح نیستم. در سواحل، آنجائی کہ توب می رسد، تو پختہ مستقر کردہ ایم. منکی بہ موشک ہستیم و با اینکہ یک سایت موشکی کافی است کہ تنگہ هرمز را ناامن کند، ما سایت ہای موشکی مختلف در آنجا مستقر کردہ ایم. منکی بہ نیروہای دریائی ہستیم. کار عمدہ ای کہ کردیم، قابضہای کوچک با نیروہای سپاہ مجہز کردیم کہ در ہر گوشہ ای از سواحل ممکن است بہ آب انداختہ شوند و پروندہ ہدف خود را بزنند و برگردند و ناامن کنند. در اینجا یک ساحل طولانی است و ما کنار ساحل ہستیم و سراسر آن را می توانیم ناامن کنیم. مسگہ، مسگہ نامنی است، مسگہ این نیست کہ چہ کسی ناوش در خلیج فارس موجود است!

یک کشتی کہ از کویت۔ مثلاً۔ حرکت می کند، باید بیش از ہزار و چہار صد کیلومتر را از کنار ساحل ما عبور کند و ما در طول این ساحل حضور داریم. ما نیروہای مردمی داریم کہ با قایق و امکانات دیگری ہستند. امکاناتی ہم داریم کہ هنوز بکار نگرفته ایم، امکانات ہوائی ما آنجا خوب می تواند بکار بیاید. امکانات دریائی زیادی داریم کہ هنوز بکار نگرفته ایم و بعداً روشن می شود.

«بہر حال، مطلب این است کہ قدرت ناامن نگہ داشتن این منطقہ را تا حد زیادی داریم و دشمنان ما باید خیلی نیرو بگذارند تا اینکہ بتوانند اینجا را امن کنند و مثلاً مادہ ای مثل نفت را از اینجا عبور بدہند.»

- یک مطلبی کہ بیگانگان اخیراً روی آن تکیہ می کنند این است کہ ہموارہ تلاش کردہ و می کنند کہ القاء نوعی اختلاف بین شما و آیت الله العظمی منتظری بکنند و بر این اساس، تحلیلہائی ہم در رابطہ با بعضی از مسائلی کہ پیش آمدہ، کردہ اند و روی آن مانور دادہ اند! البتہ این سؤال برای ملت ایران هیچ مفہومی ندارد ولی برای خارجی ہا و آنہائی کہ هنوز شناختی از انقلاب و چہرہ ہای انقلاب و چگونگی روابط ما ندارند، شاید پاسخی در این زمینہ، لازم باشد.

مرید و مراد

• این از نادانی ہا و حماقت ہای دشمنان خارجی ما است کہ با این حرفہا اعتبار خودشان را از دست می دہند. عمدتاً مطلب این است کہ آنها شناخت از ما ندارند، آنها نہ روحانیت ایران را می شناسند و نہ ماہا را درست می شناسند و نہ روابط ما را می شناسند. حرفی می زنند کہ ہر کس کسی آشنائی داشتہ باشد و مسائل را بداند، این حرف را مسخرہ می کند.

عدم شناخت آنها از وضع ما مانند بچہ ای است کہ تازہ دارد چشم باز می کند و اطراف محیط خودش را می بیند ولی نمی تواند روابط را از ہم جدا بکند و تشخیص بدہد.

یکی از بچہ ہای من۔ پاسر۔ اوایلی کہ تازہ داشت چیزی می فہمید، مہمان ہائی کہ بہ خانہ ما می آمدند، می دید کہ روحانیون ہستند، بیرون ہم کہ می رفت، مردم دیگری را می دید.